ادامه از صفحه اول

تقویت شوراها با شهردار منتخب

دوم اینکه اگر انتخاب توسط مردم رخ دهد، لابی‌گری‌هایی که در طول چهاردوره فعالیت شوراهای اسلامی شهر و روستا در هنگام انتخاب شهرداران به چشم می‌خورد، کمرنگ خواهد شد. امروز برخی شهرداران بر اساس لابی‌های غیرتخصصی و غیرحرفه‌ای انتخاب می‌شوند و این موضوع باعث می‌شود شهروندان ضرر کنند و اداره شهرها بر اساس اسلوب‌های من‌درآوردی صورت گیرد. موضوع مهم در این میان، نظارت بر شهرداران است. فصل یکصدم قانون اساسی نقش نظارتی به شوراها داده است. نمونه اجراشده این نظارت در رابطه دولت و مجلس دیده می‌شود. با وجود اینکه هر دو قوه، انتخابی هستند اما مجلس با اهرم‌هایی چون رای‌اعتماد، استیضاح، سوال، تذکر، بررسی لایحه بودجه و دعوت به کمیسیون‌ها بر دولت نظارت کرده و حتی با بازوی نظارتی دیوان محاسبات، دخل‌وخرج دولت را کنترل می‌کند.

در مورد اصلاح قانون باید این نکته مدنظر باشد که شورای شهر، ذی‌حساب شهرداران را معرفی کند؛ مدلی شبیه دیوان محاسبات. امروز خود شهردار تهران، ذی‌حساب است که نوعی نقص قانون به‌شمار می‌رود. ذی‌حساب دوم هم به پیشنهاد شهردار و رای شورا انتخاب می‌شود که زیر نظر شهرداری است و حقوق دریافت می‌کند. می‌توان در لایحه مذکور براساس مدل دولت - مجلس، رای اعتماد به معاونان و شهرداران مناطق در جلسه علنی شورا را نیز لحاظ کرد. سوم اینکه شورا باید به اندازه‌ای قدرت نظارت داشته باشد که شهردار را استیضاح و عزل کند. در این‌صورت، نگرانی برخی دوستان شورای شهر نیز مرتفع خواهد شد چه اینکه برخی عنوان می‌کنند امروز که شهردار توسط شورا انتخاب می‌شود، روند پاسخگویی کند بوده یا در پاره‌ای موارد، اساسا انجام نمی‌شود وای به حال اینکه شهردار، با رای مستقیم مردم انتخاب شود. می‌دانیم امروز بالای ۶۰درصد جمعیت کشور، در شهرها ساکن هستند و به نظر می‌رسد دولت و وزارت کشور باید نقش فعال‌تری در زمینه شوراها و شهرداری‌ها ایفا کنند. دولت می‌تواند شوراهای شهر و روستا را برای کاهش تصدی‌گری دولتی به یاری بطلبد. در عین حال اگر در نظارت شورا بر شهرداری، دوگانه اصلاح‌طلب - اصولگرا مدنظر نبوده و بر اساس کارآمدی افراد عمل شود آن‌گاه می‌توان به بهبود شرایط شهرها امید داشت.

دانشگاه و سال تحصیلی دیگر

خیلی هم می‌خوانند. کتاب‌های جنبی هم دارند که دستور می‌گیرند و به خواندن عادت می‌کنند، و هنگام امتحان هم بر سر حذف بخش‌هایی از کتاب با استاد چانه نمی‌زنند. در آنجا هم گاهی توفانی می‌شود و اعتصابی و تظاهراتی و فردایش دوباره کلاس است که ارجحیت دارد. راستش برخی دانشجویانشان خودشان را «به‌دلیل جوانی و کم‌تجربگی و کم‌سوادی» واجد صلاحیت کامل سیاسی نمی‌دانند. البته وسایل و امکانات دیگری اعم از ورزشی و هنری و ... برای تخلیه نیرو و هیجانات جوانی در اختیار دارند که آنها را از شکستن شیشه و در و پنجره و سروکله خودشان و دیگران بی‌نیاز می‌کند.

درست است دانشجو در سنی است که قانونا به بلوغ متعارف اجتماعی رسیده است و ورود به مباحث و حتی فعالیت‌های سیاسی حق اوست، اما به نظر من، این گروه‌ها، و مسلک‌ها، احزاب و فعالیت‌های سیاسی هستند که حق ورود به دانشگاه و هیچ محیط اجتماعی غیرسیاسی دیگری را ندارند؛ یعنی اگر فعالیت سیاسی، حزبی و اجتماعی آزاد و قانونی است، دانشجویان صددرصد حق دارند به آن مکان‌ها بروند، در جلساتشان شرکت کنند و اگر توجیه شدند به آنها بپیوندند، اما آن تشکل‌های سیاسی و حزبی و اجتماعی، اعم از پوزیسیون یا اپوزیسیون نباید حق ورود به دانشگاه را داشته باشند و این مکان را از وظیفه اصلی‌اش بازدارند.

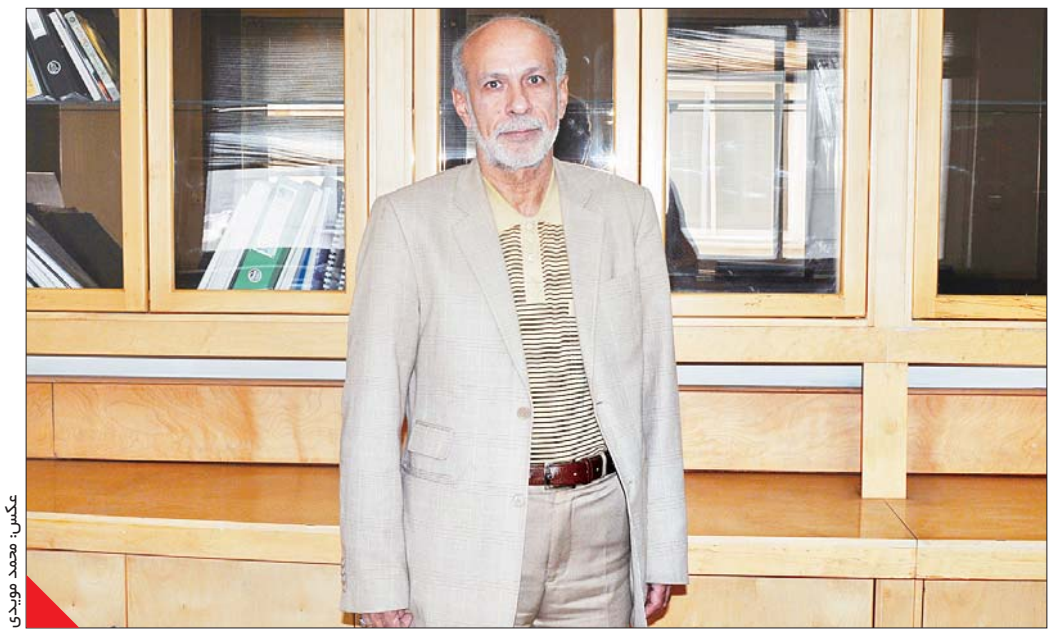
البته در زمان ما دوگانگی‌های اجتماعی بیشتر بود نخست اینکه حداکثر ۱۰درصد دیپلمه‌ها می‌توانستند در دانشگاه‌ها قبول شوند؛ یعنی دانشجویان از لحاظ ضریب هوشی در شماره ۱۰، ۱۲درصد بالای معدل جامعه بودند. دوم اینکه مدیریت جامعه هنوز نتوانسته بود کادرهای خودش را از میان دانش‌آموختگان برگیرد و جز درصدی اندک، معمولا مردمانی میانمایه بودند و سوم اینکه وقایع سیاسی پیشین، همراه با تبلیغات گسترده دنیای دوقطبی و رنجیدگی از «غرب و استعمار و امپریالیسم» که به‌طور موروثی در محیط دانشگاه به سال پایینی‌ها راه می‌یافت، امری پسندیده بود. عشق بسیاری از ما دانشجویان برای ورود به دانشگاه به خاطر آن نبود که درسی بخوانیم و دری یا درهایی به سوی آینده ما گشوده شود، بلکه به کلاس نرفته در آرزوی برهم‌زدن کافه و تعطیلی کلاس بودیم، تا احساس کنیم که کسی هستیم.

اما امروز دانشگاه، به‌جز چند دانشگاه کنکوری واقعی که هنوز جایگاه همان ۱۰درصد نخبگان معمولا صادراتی است، رنگ دیگری هم یافته است. همسرم یک‌بار گفت که چرا زمان دانشجویی ما متفاوت بود. به او گفتم در زمان ما، دانشجویان همان ۱۰درصد ظرفیت فکری جامعه بودند، اکنون که همه به نوعی می‌توانند به دانشگاه بروند، دانشگاه آینه کل جامعه است. دانشجویی، دیگر مارک یا برندی نیست که نشانگر جایگاه معنوی ویژه‌ای باشد؛ مگر آنهایی که به راستی علمی بیاموزند، و فرهنگ خود را اعتلا بخشند.

مدیرعامل اسبق شرکت «نیکو» در گفت‌وگو با «شرق»:

ریشه‌های ظهور «زنجانی»ها و «مه‌آفرید»ها را شناسایی کنیم

احمدی‌نژاد دو سال آخر سکوت می‌کرد، دولتش همانند پوتین ۲۰ساله می‌شد


عکس: محمد موذی

آذر جزایری: سکوت همراهان دولت را زنگ خطر می‌داند. می‌گوید دولت روحانی این روزها بیش از هرچیزی باید از سکوت همراهانش نگران باشد. اتفاقی که به وقوع پیوسته و دولتمردان به راحتی از آن عبور می‌کنند. اعتقاد دارد اگر روال به این شکل ادامه پیدا کند آن‌وقت نمی‌توان فرقی میان دولت احمدی‌نژاد و روحانی پیدا کرد. از تعریف نقد می‌گوید و گلایه‌های خودش را نقد دلسوزانه می‌نامد. محمدجواد عاصمی‌پور، مدیر باسابقه نفتی و مدیرعامل اسبق شرکت نیکو در گفت‌وگو با «شرق» از خطاهای استراتژیک دولت روحانی که خود را همراه آن می‌داند می‌گوید. از اظهارات اخیر نیلی، همراه اقتصادی دولت با عنوان هماهنگ‌ترین تیم اقتصادی گلایه می‌کند و این هماهنگی را چیزی جز همصدایی نمی‌داند. به تفاوت این دو باهم می‌پردازد و در نهایت اظهارات خود را در چند نکته خلاصه می‌کند: «دولت روحانی برای گوش‌سپردن به انتقادها کانالیزه برخورد می‌کند»، «باید نقد از خود در دولت یازدهم کلید بخورد»، «باید به نقدهای اقتصادی راه نفوذ به دولت را داد و... .» مشروح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

آقای دکتر این روزها نقدهایی نسبت به عملکرد اقتصادی دولت مطرح است. به نظر شما این نقدها به‌دلیل نگاه‌های سیاسی است یا نقدی دلسوزانه است؟

همیشه اعتقاد داشتم که سکوت به شرط آنکه مدیریت بشود یک نقد حکیمانه است. نباید فراموش کرد انتقاد در واژه‌نگاری‌ها دیدن نکات مثبت، خلاقیت‌ها و اشتباهات است. پس نقاد یک قاضی است و آنقدر باید مسلط باشد که بتواند اطلاعات را خوب جمع‌آوری کند و براساس یک سری مستندات علمی، یافته‌های خودش را داوری کند. این روزها دکتر روحانی یک سری جملات مانند نقد، مخالف، نقد دلسوزانه و غیردلسوزانه را در سخنرانی‌هایش آنقدر به‌کار برده که بنده به اینگونه اظهارات نقد دارم.

به اعتقاد من وجود نقد هیچ دولتی را تهدید نمی‌کند چراکه نقدهای آرام‌دار مشخص هستند و اصولا برای تخریب آدم‌ها مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند. طبیعتا هر دولتی هم با نقدهای آرام‌داری مواجه است که البته اینگونه افراد کاملا مشخص هستند و نقدهای آنها نیز مشکلی درست نمی‌کند چراکه همگان مطلع هستند که این افراد به‌دلیل خط فکری خود مخالف برنامه‌ها و سیاست‌های یک دولت هستند. دسته‌بندی نقد نسبت به مخالفت یک نکته اساسی است که باید اتفاق بیفتد. در این راستا باید دسته‌بندی نقد صورت بگیرد. مخالف را باید یک نوع مدیریت کرد نقاد را یک نوع دیگر. مساله‌ای که دولت‌های اصلاح‌طلب را تهدید کرد و گوش نکردند. دولت هاشمی نسبت به یک نقد خاص گوش نسپرد و از طریق همان هم تهدید شد. دولت خاتمی و در حال حاضر دولت روحانی هم از این مشکل رنج می‌برد. آنهم نقد دلسوزانه کسانی است که همراه دولت هستند اما سکوت کرده‌اند.

منظورتان این است که دولت روحانی باید تفاوتی بین نقد دلسوزانه و آرم‌دار قایل شود؟

دقیقا، به نظر بنده سکوت همراهان دولت در این‌روزها آزارش بیش از مخالفت کسانی است که به‌طور آرم‌دار مخالفت می‌کنند؛ یعنی من از امروز که دیگر از سکوت بیرون آمده‌ام دیگر خطری ندارم. تا دیروز که ساکت بودم خطر بودم. سکوت من به معنی حرف‌نزدن است. سکوت من چشم به روی خطاها بستن بود. این دولت را تهدید می‌کند نه آنان که علنا زبان به انتقاد می‌گشایند. بنابراین می‌گویند باید نقد منصفانه را مدیریت کرد. سفارش نقد باید داد. در زمان شهید بهشتی این کار در قالب جلسات روزهای یکشنبه هر هفته انجام می‌شد. بنده آن زمان از اعضای ثابت این جلسات بودم به‌خاطر دارم که شهید بهشتی تاکید می‌کرد به‌جای نقدهای بیرونی جلسات یکشنبه حزب باید به‌سمت نقد از خود برود. دکتر بهشتی اعتقاد داشتند اگر ما خودمان را اصلاح کنیم نقد بیرون را هم می‌توانیم از بین ببریم. امروز خطری که باید آقای روحانی از آن عبرت بگیرد مدیریت‌کردن با تدبیر نقد است. کاری که حزب جمهوری اسلامی در آن زمان می‌کرد. خودمان را اصلاح کنیم و کاری نداشته باشیم دیگران چه فکر می‌کنند اما متاسفانه دولت‌ها از جمله دولت آقای روحانی کانالیزه شدند.

عملکرد بخش اقتصادی دولت را چگونه می‌بینید؟

چندی پیش آقای نیلی تاکید کرده بود دولت روحانی هماهنگ‌ترین تیم اقتصادی را دارد و من هم این حرف را قبول دارم. در دانشگاهی که رییس گروه اقتصاد خرد یا اقتصاد صنعتی فارغ‌التحصیل آمریکا باشد، اروپایی‌ها را راه نمی‌دهند. تیم دانشگاه علامه طباطبایی تیم سازمان برنامه و بودجه سابق و تیم دانشکده مدیریت و اقتصاد صنعتی شریف سال‌هاست به‌عنوان آدم‌های خبره اقتصاد مطرح شدند. اگر شما مناظره‌ای که آقای دکتر ادیب با آقای مشایخی چندی پیش در تلویزیون داشتند را دیده باشید کاملا متوجه می‌شوید که بسته اقتصادی دولت با چه اشکالاتی مواجه است. تیم اقتصادی دولت ۱۰سال است باهم همراه هستند و البته نقدی هم به آنها نیست اما تاکنون نسیم دیگری به این تیم وارد نشده است. نمی‌توان دهان ادیب‌ها را بست و انتظار داشت هیچ‌کس نقدی به عملکرد تیم اقتصادی نداشته باشد. کسی موفق است که از این نقدهای مختلف و صداهای مختلف یک ارکستر هماهنگی بسازد. آقای نیلی و یارانش باید درهای اقتصادی دولت را به روی نقادان خود باز کنند و این نقدها را مدیریت کنند.

منظور شما این است که تیم اقتصادی دولت به‌دلیل نگاه مشترک نمی‌توانند الگوی مناسبی برای حل مشکلات اقتصادی ارایه کنند؟

بنده ایرادی به تخصص این استادان نمی‌گیرم. تنها گلایه‌ام به اظهارات آقای نیلی است که یک‌صدایی در تیم اقتصادی را به هماهنگی معنا کرده است. درحالی که اگر بتوانید هارمونی در چندصدایی ایجاد کنید کار درست را انجام داده‌اید. باید به آقای نیلی گفت که وضعیت فعلی تیم اقتصادی دولت به معنای یک‌صدایی است نه هماهنگی. اما اگر توانستید چند تفکر مختلف را کنار هم قرار دهید و هماهنگی ایجاد کنید این مدیریت فکر و اندیشه است.

به نظر شما چرا این یک‌صدایی در تیم اقتصادی برای دولت یک هشدار است؟

همان‌طور که می‌دانید یک اقتصاددان متعلق به یک مکتب اقتصادی است. تیم اقتصادی دولت یک دیدگاه فلسفی مشترک دارند و مشکل همین‌جاست. هیچ‌وقت طیف دیگری وارد این جمع نشده و نظردهی نکرده است. وقتی نقدها مدیریت نمی‌شوند ناخودآگاه پس از مدتی تبدیل به جبهه مخالف می‌شوند چراکه صدا نمی‌تواند خفه باشد؛ مثلا امروز بهتر بود بنده به جای آنکه این مسایل را در رسانه‌ها مطرح کنم پشت درهای بسته می‌زدم تا در رسانه از تفاوت یک‌صدایی و هماهنگی در تیم اقتصادی دولت بگویم.

روحانی، اوایل کار دولت یازدهم، دعوت‌نامه‌ای را برای مشارکت کارشناسان برای بهبود وضعیت اقتصادی کشور منتشر کرد. به نظر شما این دعوت‌نامه نمی‌تواند حکم تلاش برای مشارکت اقتصاددانان در عرصه‌های اقتصادی کشور داشته‌باشد؟

وقتی فراخوان داده می‌شود به این معنی است که نمی‌خواهیم کاری انجام شود. چراکه تیم آقای روحانی و به‌شخصه خود ایشان کارشناسان را می‌شناسند و نیازی به دادن فراخوان نیست. مثل این است که از فردا اعلام کنند از این پس یارانه‌هایتان را مقابل ساختمان ریاست‌جمهوری دریافت کنید، در این‌صورت همه عاقلان می‌دانند که این کار شدنی نیست. این فراخوان هم از ابتدا مشخص بود که تنها یک حرکت نمادین است وگرنه مثلا در تشکیل وزارت نفت بالاخره افرادی مثل ما صاحب‌نظر بودند آیا کسی از ما دعوت کرد تا نظر خودمان را ارایه کنیم. تازه در چنین شرایطی از دولت احمدی‌نژاد هم انتقاد می‌شود که یک تیم برای انتصابات در نفت تشکیل داده بود. هرچند انتخاب آقای روحانی برای وزارت نفت و انتصاب آقای زنگنه تصمیمی بسیار درست و بجا بود اما این گلایه همچنان پابرجاست که دولت یازدهم در بخش نفت از چه کسانی مشاوره گرفته است. به چه کسانی سفارس مقاله و بررسی مشکلات نفت مثلا در بخش تولید را داده است؟ یک‌سال‌ونیم از شروع دولت یازدهم گذشته اما دریغ از یک تلفن به هزاران نفر آدم دلسوزی که سکوت کرده‌اند. نباید فراموش کرد که سکوت آنها برای دولت آقای روحانی خوب نیست.

چرا فکر می‌کنید این سکوت به نفع دولت یازدهم نیست؟

کسی که اشتباهات دولت را متوجه می‌شود و تنها به‌دلیل همراهی با دولت سکوت می‌کند بیش از منتقدان و مخالفان به دولت لطمه وارد می‌کند. نباید فراموش کنیم که دولت آقای روحانی بعد از دو دوره نافرجام یک دستاورد بسیار بزرگ است. مدیریت عبارت است از خلق محیطی برای کوشش‌های فردی. آمدن آقای روحانی فضای مدیریت کشور را تغییر داد و الان شاهد هستیم که بسیاری از کارشناسان و مدیران به جنب‌وجوش برای خلق محیطی جدید افتاده‌اند. درواقع فضای امیدبخشی در جامعه ایجاد شده که همین امر می‌تواند منجر به موفقیت‌های چشمگیری شود.

با وجود تمام انتقادهایی که به دولت روحانی دارید به نظر شما مزیت‌های دولت یازدهم چیست؟

امروز قطعا حضور دولت آقای روحانی در صحنه به معنی تغییری عظیم در نوع نگاه داخلی به بیرون و نگاه بیرونی به داخل است که البته این تغییر نگاه تاثیرات مثبتی هم به‌همراه داشته است. دولت یازدهم می‌داند که از اقتصاد کلان باید به‌سمت اقتصاد خرد حرکت کرد.

تمرکز روی سرمایه‌گذاری‌های بزرگ، تغییر شاخص‌های ملی به جای شاخص‌های خرد، تمرکز روی پس‌انداز ملی به‌جای پس‌اندازهای شخصی، از جمله دستاوردهای دولت روحانی در این مدت بوده است.

ورود دولت یازدهم به عرصه مدیریت کشور خلع ثروت و نقد ما به نحوه مدیریت ثروت است. به‌هرحال افراد بسیاری وارد صحنه شدند تا روحانی رای بیاورد و به نظر بنده مدیریت‌کردن این حضور که با هزینه‌ای سنگین‌تر از دوره‌های قبل اتفاق افتاده از اهمیت بسزایی برخوردار است.

چراکه اگر احمدی‌نژاد یک اشتباه تاریخی نمی‌کرد و در دوسال آخر دولت دهم دست خودش را رو نمی‌کرد و ترجیح می‌داد سکوت کند، قطعا دولت احمدی‌نژاد همانند دولت پوتین ۲۰ساله می‌شد. به نظر من هم دولت روحانی و هم خاتمی از حضور دولت احمدی‌نژاد بسیار سود کردند.

آقای خاتمی شانس آورد که بعد از خودش دولت احمدی‌نژاد آمد و حضور و عملکرد دولت آقای احمدی‌نژاد باعث شد خیلی از شکست‌های آقای خاتمی تطهیر شود. دولت آقای روحانی هم که بعد از دولت آقای احمدی‌نژاد آمده اگر آجر روی آجر هم نگذارد، بازهم برنده است چراکه جو و فضای نامطلوب حاکم بر جامعه را تغییر داد. اما نباید از حق هم گذشت که این دولت اقدامات بسیار عظیم وگسترده‌ای را انجام داده است.

پس از نظر شما اشکال کار کجاست؟

اشکال اساسی که من می‌گیرم این است که نباید دولت روحانی را غرور قدرت بگیرد، چراکه این مساله آثار منفی‌ای را به‌همراه خواهد داشت. کانالیزه‌شدن کارشناسان، متخصصان و مشاوران چه در سطح دولت، چه در سطح ستاد و چه در سطح وزارتخانه‌ها از جمله این آثار منفی است که من این را به عینه می‌بینم. به‌نوعی افراط و تفریط در مدیریت روحانی کاملا محسوس است. نه آن‌زمان که احمدی‌نژاد در بند بند مصوبات و مدیریت وزارتخانه‌ها دخالت می‌کرد نه به شرایط فعلی که وزارتخانه‌ها کاملا در دولت یازدهم به حال خود رها شده‌اند. وزارتخانه‌ها نباید به حال خودشان رها شوند، نباید فراموش کرد که تصمیمات بسیاری از وزارتخانه‌ها از جمله در راس آنها وزارت نفت، فراملی است. یکی از ارکان اساسی مذاکرات ۵+۱ وزارت نفت است؛ درواقع قدرت چانه‌زنی وزارت امورخارجه در مذاکرات این وزارتخانه محسوب می‌شود. بنابراین اگر بنا باشد تحریم برداشته شود باید بدانیم پس از آن چه سیاستی قرار است در پیش گرفته شود. دیپلماسی انرژی برای همین روز به درد می‌خورد که بدانیم منافع ملی ایران در چه تصمیماتی نهفته است. بنابراین در این بین وزارت نفت نقشی بسیار جدی خواهد داشت که رهاکردن آن در این روزها اشتباه است. دیپلماسی انرژی یعنی چگونه از خط لوله هند و پاکستان استفاده کنیم، چگونه با عربستان توافق کنیم تا آثار آن را در تصمیمات اوپک ببینیم. بنابراین بخشی از تصمیم‌های وزارت نفت امروز، بعد فراملی دارد. باید تصمیم بگیریم که پس از پایان تحریم‌ها در عرصه انرژی چه برنامه‌ای برای چین و روسیه داریم. باید تصمیم بگیریم که چین چه سهمی در اقتصاد ما خواهد داشت؟ نه آن افراط دولت احمدی‌نژاد درخصوص حضور چینی‌ها قابل‌قبول بود نه تفریط این‌روزها برای برچیده‌شدن حضور چینی‌ها در پروژه‌های نفتی. رفع تحریم به معنای بازشدن دروازه‌های اقتصادی و ایجاد توازن در اقتصاد ملی ایران است. این نکته‌ای اساسی است که یک وزارتخانه نمی‌تواند در مورد آن تصمیم بگیرد که چینی‌ها را بیرون کند یا راه بدهد. بنابراین امروز تصمیماتی اتخاذ می‌شود که نیاز به تصمیم‌گیری کل دولت و در راس آن آقای روحانی دارد.

به‌نوعی افراط و تفریط در مدیریت روحانی کاملا محسوس است. نه آن‌زمان که احمدی‌نژاد در بند بند مصوبات و مدیریت وزارتخانه‌ها دخالت می‌کرد نه به شرایط فعلی که وزارتخانه‌ها کاملا در دولت یازدهم به حال خود رها شده‌اند. وزارتخانه‌ها نباید به حال خودشان رها شوند، نباید فراموش کرد که تصمیمات بسیاری از وزارتخانه‌ها از جمله در راس آنها وزارت نفت، فراملی است

برخی از کارشناسان نسبت به انتخاب برخی مدیران دولت یازدهم با دلیل بالابودن سن آنان نقد دارند. نظر شما در این مورد چیست؟

اتفاقا بنده هم نسبت به این مساله نقد دارم. اینکه از ژنرال‌ها باید استفاده بشود یا نشود موضوع من نیست. اتفاقا برای مدیریت شرایط فعلی کشور ما به یک آدم کارکشته به‌لحاظ تجربه نیاز داریم که ذهن جوان داشته باشد. ما الان به ذهن تغییریافته نیاز داریم. به‌قول تافلر آنقدر سرعت تغییرات زیاد است که تنها چیزی که ثابت می‌ماند خود کلمه تغییر است. مطمئنا آقای نعمت‌زاده در شرایط فعلی نمی‌تواند وزارت صنعت، معدن و تجارت را همانند دیدگاه گذشته‌اش اداره کند. مهم نیست نعمت‌زاده یا زنگنه چندسال دارند. مهم این است که هرکدام از این مدیران بدانند که با تجربه دیروز نمی‌توان شرایط فعلی امروز را مدیریت کرد و این شرایط را اولین‌بار است که تجربه می‌کنند. بنابراین با اتکا به تجربه گذشته سعی بر مدیریت شرایط فعلی نداشته باشند. اما متاسفانه در شرایط فعلی، بسیاری از آقایان افکارشان را عوض نکرده‌اند و دلیل آن را باید در حس‌نکردن تغییر جست‌وجو کرد. این مدیران فکر می‌کنند با تجربه هشت‌سال پیش و بنا بر شرایط آن روزها می‌توانند امروز را مدیریت کنند. اما باید بدانند که شرایط امروز شرایط حتی یک‌سال پیش هم نیست و باید امروز به فکر راهکاری جدید و متناسب با شرایط بود.

به نظر شما نحوه فعالیت این مدیران در هشت‌سال گذشته تا چه اندازه بر روال کاری فعلی آنها تاثیرگذار است؟

به‌هرحال یک عده از ما که در هشت‌سال گذشته بازنشسته یا بازنشانده شدیم در این مدت در بخش خصوصی فعالیت کردیم که این مساله هم به نوبه خود مشکل آفرین است چراکه با آن دیدگاه نمی‌توانیم در سمت مدیریت قرار بگیریم، به این مساله در کل دنیا می‌گویند تضاد منافع! در همین شرایط‌هاست که بابک زنجانی‌ها به وجود می‌آیند. شک نکنید دو تا سه‌سال آینده هم بابک زنجانی‌هایی با نام دیگر شکل پیدا می‌کنند که متاسفانه در حال حاضر آثار این تحلیل را در بعضی وزارتخانه‌ها شاهد هستیم.

دولت روحانی باید مراقب این ورودی‌ها باشد. بابک زنجانی در دولت گذشته دعوت شد امروز یک عده‌ای دیگر به کار دعوت می‌شوند. در واقع ما همیشه سعی داریم دنبال معلول باشیم تا عامل و این اشتباه است. ما باید ریشه‌های ظهور بابک زنجانی‌ها، مه‌آفریدها و جزایری‌ها را پیدا کنیم و دنبال دلایل شکل‌گیری چنین پدیده‌هایی باشیم؛ اما اغلب مواقع، به‌جای آنکه «علت» را شناسایی کنیم و ریشه‌اش را بخشکانیم، سراغ «معلول» رفته‌ایم و گاهی مجازاتش کرده‌ایم.

چطور می‌شود وقتی امضای چهار وزیر و رییس کل بانک مرکزی زیر نامه صادرکنندگان نفت توسط بابک زنجانی است، در نهایت یکی از مدیران رده‌پایین نفت را به‌عنوان مسوول شناسایی می‌کنند و بازخواست از عاملان این کار به فراموشی سپرده می‌شود؟

دقیقا؛ واقعا اگر به جای آن مدیر نفتی من بر آن صندلی تکیه داده و چنین تصمیمی را گرفته بودم، قطعا امروز به‌جای آن مدیر من باید در زندان بودم. به‌خاطر دارم زمانی که میرکاظمی وزیرنفت بود ایشان از ساعت ۹صبح تا ۱۲ظهر بیش از ۱۰بار فکس می‌زد سوآپ نفت تعطیل شود. هرچقدر هم سعی داشتیم تا ایشان را متقاعد کنیم که این کار اشتباه است، زیر بار نمی‌رفتند. در سوییس شما نمی‌توانید در راهرو یک کارمند را اخراج و تاکید کنید از فردا نیاید چراکه آن کارمند براساس قوانین حاکم می‌تواند تقاضای شش‌ماه حقوق کند و قانون هم از او حمایت می‌کند. به نظرم برای مساله بابک زنجانی باید به دنبال آن بود که روز اول چه کسی ایشان را دعوت به بازی کرده است؟ بازرسی کل کشور قبل از ایجاد این اتفاق کجا بوده است؟ چرا بعد از به‌وقوع‌پیوستن چنین مساله‌ای تازه سازمان بازرسی کل کشور وارد قضیه می‌شود؟ چرا کرسنت باید به یکی از امنیتی‌ترین پروژه‌های ما بدل شود؟ چرا شخصی در مجلس برای اینکه از تیم فعلی زخم خورده باید به‌دنبال خراب‌کردن قرارداد کرسنت باشد و هرروز مدرکی جدید رو کند تا مسوولان آن زمان را محکوم کند. چرا یادمان نیست که این قرارداد بین‌المللی شده و تخریب داخلی منجر به محکوم‌شدن ما در دادگاه بین‌المللی می‌شود و این مساله از نگاه ملی اهمیت دارد نه فردی. پرونده کرسنت یک پرونده کاملا سیاسی است و برای همین است که معتقدم کرسنت از محدوده عملکردی وزارت نفت خارج شده و به محدوده ملی وارد شده است و وزارتخانه‌ای مانند نفت باید فراملی فکر کند. این بحث حتی در مورد صداوسیما هم صادق است. یک برنامه‌ای به‌نام شناسنامه قرار بود آدم‌های قدیمی و شناسنامه‌دار را بیاورد و از تجربیات آنها بپرسد. مثلا آقای عسگراولادی بیاید بگوید چگونه به اینجا رسیده است. بعد می‌بینیم آقای میرکاظمی به این برنامه دعوت می‌شود و در مورد کرسنت شروع به صحبت می‌کند. کجای این برنامه واقعا انتقال تجربیات می‌تواند باشد. بنابراین باید گفت متاسفانه نگاه ملی فراموش شده و همه به‌دنبال تخریب دیگران هستند و فراموش کرده‌اند نگاه ملی در شرایط فعلی کشور یک ضرورت است. روی کارآوردن آدم‌هایی که یکصدا هستند، همیشه نمی‌تواند به‌نفع باشد. درست است هماهنگ‌ترین تیم اقتصادی را دولت یازدهم دارد، اما این به معنای موفقیت نیست. دولت یازدهم اگر بتواند این چندساز را باهم کوک و هماهنگ کند، آن موقع مرد عمل است.

آقای دکتر با این توضیحاتی که دادید، به نظرتان زنگنه امروز با زنگنه هشت‌سال پیش متفاوت است؟

عرض کردم هم دولت خاتمی و هم دولت روحانی به‌واسطه دولت احمدی‌نژاد بسیار شانس آورده‌اند. حتی اگر وزیری در این دوره کار جدی انجام ندهد به‌هرحال به‌دلیل تغییر فضا در جامعه کارنامه بدی از خود به یادگار نخواهد گذاشت. البته خوشبختانه الان تیم قوی برمسند وزارت نفت تکیه زده است اما به هرحال حتی اگر تیم ضعیفی هم بودند، مشکلی پیش نمی‌آمد.

ادامه در صفحه ۶

خبر

تاثیر ناچیز لغو تحریم‌ها بر مبادلات نفتی و پتروشیمی

• **شرق:** با خروج قطعی شرکت ملی نفتکش ایران از فهرست تحریم‌های اتحادیه اروپا، اگرچه مدیرعامل این شرکت گفته شرکتش آماده بازگشت به بازار بین‌المللی نفت است اما معاون وزیر نفت اعلام کرده به‌دلیل اینکه مشکل نقل‌وانتقال پول هنوز حل نشده، هیچ اتفاقی در حوزه پتروشیمی نیفتاده است. روز گذشته علی‌اکبر صفایی، مدیرعامل این شرکت در نشست خبری خود اعلام کرد: سیاست فعلی شرکت ملی نفتکش ایران استفاده از تمام ظرفیت‌های داخلی و خارجی به‌منظور حضور پایدار و مطمئن در بازار جهانی حمل نفت و فرآورده‌های نفتی است. اگرچه این مقام‌مسوول رفع تحریم‌ها را لازمه حضور در بازارهای بین‌المللی دانسته اما معاون وزیر نفت در این خصوص نظر دیگری دارد. عباس شعری‌مقدم در گفت‌وگو با ایسنا در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه چرا با وجود رفع تحریم‌ها در این حوزه آنگونه که باید شاهد گشایش در بخش پتروشیمی نبوده‌ایم، تصریح کرد: دلیل این امر آن است که فقط بخشی از تحریم‌ها رفع شده و اصلی‌ترین مشکل که انتقال پول بوده هنوز برطرف نشده است.

ارزان‌فروشی قیر باکیفیت ایرانی

• **شرق:** مدیرعامل شرکت نفت پاسارگاد با بیان اینکه قیر ایران باکیفیت‌ترین و در عین حال ارزانترین قیر دنیاست، گفت: یکی از عمده‌ترین معضلات ما این است که صنعت قیر کشور متولی ندارد. ایران چهاردرصد قیر دنیا را تولید می‌کند اما نه‌تنها در دنیا که حتی در منطقه هم قدرت قیمت‌گذاری ندارد، این در حالی است که کشوری که در منطقه یک‌سوم ایران تولید قیر دارد، قیمت‌گذار قیر منطقه است. دلاویز با تاکید بر اینکه باید ایران به جایگاه خود بازگردد، برگزاری نخستین کنفرانس بین‌المللی قیر ایران در آبان‌ماه سال‌جاری اشاره کرد و گفت: برگزاری این نمایشگاه فرصت مناسبی برای ارایه توانمندی‌های صنعت قیر ایران خواهد بود.

لزوم ایجاد ۸میلیون شغل تا پایان عمر دولت

• **تسنیم:** رییس کمیته اشتغال و کارآفرینی مجلس با اشاره به جدی بودن مشکل اشتغال گفت: دولت تدبیر و امید برای حل مشکل بیکاری تا پایان عمر خود باید هشت‌میلیون فرصت شغلی جدید ایجاد کند. عباس قائد رحمت درباره راهکارهای مهار بیکاری گفت: در حال حاضر بین سه تا ۳/۵میلیون نفر متقاضی شغل در کشور وجود دارد و حدود ۴/۵میلیون دانشجو داریم که قطعا پس از پایان تحصیل نیازمند شغل خواهند بود.

اولتیماتوم نفتی ایران به ونزوئلا

• **مهر:** همزمان با ورود طرح نیمه‌کاره پتروشیمی مشترک ایران- ونزوئلا به هفتمین سال کلنگ‌زنی، شرکت ملی صنایع پتروشیمی با صدور آخرین اولتیماتوم خود قصد دارد سرمایه‌گذاران ونزوئلایی را از طرح ساخت پتروشیمی ونیران کنار بگذارد. این توافق بزرگ‌ترین قرارداد در دست اجرای نفتی این کشور به شمار می‌رود که قرار بود در مدت سه‌سال یک مجتمع تولید متانول با ظرفیت سالانه یک‌میلیون و ۶۵۰هزار تن در سایت دوم منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس ساخته شود.

تحقیق‌وتفحص از بدهکاران بانکی

• **مهر:** احمد امیرآبادی با اشاره به بررسی تقاضای تعدادی از نمایندگان جهت تحقیق‌وتفحص از عملکرد بانک‌ها در کمیسیون برنامه و بودجه گفت: این تحقیق و تفحص در مورد وام‌های بالای ۱۰میلیارد تومانی است که از سوی بانک‌ها به برخی افراد بدون اخذ وثیقه قانونی پرداخت شده است.

بازار . دوشنبه ۱۴مهر

طلاو سکه *	قیمت
طرح جدید	۹۲۷۰۰۰
طرح قدیم	۹۲۷۰۰۰
نیم	۴۷۰۵۰۰
ربع	۲۶۸۵۰۰
گرمی	۱۷۲۰۰۰
گرم ۱۸ عیار	۹۴۹۰۰
اونس * (دلار)	۱۱۹۲

قیمت انواع سکه و طلا در بازار رسمی
قیمت در ساعت ۱۸

ارز *	قیمت(تومان)
دلار آمریکا	۳۲۳۵
یورو	۴۰۹۲
پوند	۵۱۹۸
درهم	۸۸۴

* نرخ انواع ارز در صرافی‌های مجاز تهران

عنوان شاخص	مقدار	تغییر (درصد)
کل	۷۱۸۲۱/۵	۰/۲۱
۳۰ شرکت بزرگ	۳۲۹۱	۰/۲۱
آزاد شناور	۸۰۸۶۷/۴	۰/۲۳
بازار اول	۵۲۶۳۳/۲	۰/۱۸
بازار دوم	۱۴۳۰۳۱/۴	۰/۲۸
صنعت	۶۰۹۶۰/۶	۰/۱۸